

## کاهش واردات کالاهای سرمایه‌ای و آثار اقتصادی آن

حسن حیدری، عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

### شبکه ایران

بر اساس آخرین گزارش گمرک جمهوری اسلامی ایران، مجموع واردات کالا در نه ماهه منتهی به آذر ۱۳۹۱ نسبت به زمان مشابه در سال ۱۳۹۰ کاهش نشان می‌دهد. مجموع ارزش واردات در ۹ ماهه اول سال جاری ۳۸۲۷۹.۲ میلیون دلار بوده است، در حالیکه همین رقم در نه ماهه اول سال ۱۳۹۰ معادل ۴۲۴۳۴ میلیون دلار بوده است. بر این اساس مجموع واردات کالایی کشور در ۹ ماهه اول سال ۱۳۹۱ نسبت به مدت مشابه سال قبل حدود ۹.۸ درصد کاهش یافته است. مهمترین دلایلی را که می‌توان برای این میزان کاهش در واردات در نظر گرفت عبارتند از افزایش نرخ ارز و به تبع آن افزایش قیمت نسبی کالاهای خارجی و همچنین محدودیت‌های ارزی ناشی از تحریم اقتصادی که سبب شده است تا میزان کل خریدهای کالایی کشور برای تطبیق با شرایط جدید کاهش یابد. از این رو کاهش میزان واردات در این مدت امری قابل انتظار و به طور نسبی طبیعی است.

مساله مهمی که باید به آن توجه شود، تغییر در ترکیب واردات است. به بیان دیگر، پرسش اساسی این است که چه کالاهایی بار کاهش در واردات را متحمل شده‌اند. برای بررسی این موضوع باید ترکیب کلی کالاهای وارداتی بررسی شوند. می‌توان کدهای تعرفه کالاهای وارداتی را به سه دسته کلی کالاهای مصرفی، کالاهای واسطه‌ای و کالاهای سرمایه‌ای تقسیم‌بندی کرد. این تقسیم‌بندی که معمولاً در محافل کارشناسی اقتصادی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد ناظر بر استفاده نهایی کالای وارداتی است. از این رو، کالاهای مصرفی وارداتی آنهایی هستند که به مصرف نهایی رسیده و در تولید کالاهای دیگری در داخل استفاده نمی‌شوند. کالاهای واسطه‌ای آن دسته از کالاها هستند که برای تولید کالاهای دیگر به چرخه تولید در داخل کمک می‌کنند. این قبیل کالاها شامل مواد اولیه و

قطعات نیم‌ساخته هستند که برای تکمیل چرخه تولید در داخل به آنها نیاز است. در نهایت کالاهای سرمایه‌ای آن دسته از کالاها هستند که به عنوان سرمایه موجب تقویت ظرفیتهای تولیدی می‌شوند. این قبیل کالاها بیشتر شامل ماشین‌آلات صنعتی می‌شوند که برای تولید کالاهای دیگر و ایجاد یا نوسازی ظرفیتهای تولید از آنها استفاده می‌شود.

با توجه به طبقه‌بندی کدهای تعرفه بر اساس کالاهای مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای، میزان واردات کالاهای مصرفی در ۹ ماهه اول سال ۱۳۹۱ نسبت به مدت مشابه سال ۱۳۹۰ به میزان ۲۱.۱ درصد کاهش یافته است که با توجه به افزایش نرخ ارز و مشکلات مربوط به نقل و انتقال ارز قابل انتظار بوده است. هر چند کاهش واردات کالاهای مصرفی برای مصرف‌کنندگان امری خوش‌آیند نیست، اما در مجموع با توجه به شرایط و مشکلات ارزی امری معقول و منطقی است. از سوی دیگر، در صورت تولید بسیاری از این قبیل کالاها در داخل، می‌توان تقاضای مصرفی را به سمت برندهای ایرانی این قبیل کالاها سوق داد. همزمان میزان واردات کالاهای سرمایه‌ای کاهش شدید حدود ۲۸ درصد را نشان می‌دهد که با توجه به نقش این کالاها در ظرفیت‌سازی تولید در کشور اثرات مخربی بر تولید خواهد گذاشت. از سوی دیگر، میزان واردات کالاهای واسطه‌ای طی این مدت کاهش ۰.۸ درصدی را نشان می‌دهد که با توجه به نوسانات ارزی و تحریم اقتصادی، نشان می‌دهد واردات کالاهای واسطه‌ای تاثیر چندانی از شرایط موجود نپذیرفته است.

با توجه به اثرات تولیدی کاهش در واردات کالاهای سرمایه‌ای، باید سیاست‌گذاری کلان کشور در جهت حفظ جریان ورود این قبیل کالاها به داخل کشور تنظیم شود تا در نهایت از تولید موجود در داخل صیانت شود. با توجه به کاهش حدود ۷/۱۴ درصدی در واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای، انتظار بر این است که سطح تولید در کشور کاهش یابد، اما انتظار بر این است که بخشی از این کاهش

تولید از طریق افزایش تولید ناشی از افزایش نرخ ارز جبران شود. البته برای بخشی از کالاهای سرمایه‌ای وارداتی امکان تولید در داخل نیز وجود دارد که باید منابع و امکانات داخلی را به سمت تولید آنها سوق داد. تولید این قبیل کالاها در سالهای گذشته به دلیل قیمت نسبتاً ارزان ارز و سهولت دسترسی به واردات آنها سودآوری چندانی نداشته است، اما در شرایط موجود تولید حداقل بخشی از این کالاها در داخل امکان‌پذیر است. همین تفسیر نیز برای کالاهای واسطه‌ای که مشابه آنها در داخل تولید می‌شود نیز وجود دارد.

به هر حال، سیاست‌گذاری مناسب در شرایط فعلی عبارتست از حفظ جریان ورودی کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای مورد نیاز تولید داخلی و همچنین تلاش برای جایگزینی آنها با تولید داخل در حد مقدرات فنی و مالی اقتصاد ایران.